پیام جبهه ملی

ارگان جبهه ملی ایران

شماره ۳۳ - پنج شنبه ۵ تیر ۱۳۵۹ — ۴ صفحه ۱۰ ریال

در آستانه انتخابات اعضای شورایعالی قضایی :

کنار گذاشتن نامزدهای قضات دادگستری، امنیت قضائی را به مخاطره می‌اندازد

در بخش اخبار ساعت ۹ بعدازظهر دوشنبه ۵۹/۴/۲ اعلام گردید که پنج‌تن‌ازآقایان حجج‌اسلام (جوادی آملی - محمدمؤمن قمی - ربانی‌املشی محمدمحمدی‌گیلانی - علی قدوسی) بعنوان نامزد برای شورایعالی قضائی انتخاب شده‌اند . قبل از اظهارنظردر مورد تعیین نامزدهای شورایعالی قضائی توجه همگان را باصل ۱۵۸ قانون اساسی که ذیلا" درج میگردد جلب مینمایم .

(اصل ۱۵۸ ،قانون‌اساسی شورایعالی قضائی از پنج‌عضو تشکیل میشود .

۱- رئیس‌دیوانعالی‌کشور
۲- دادستان کل‌کشور
۳- سه‌نفرقاضی مجتهدو عادل بانتخاب قضات کشور

اعضاء این شورا برای مدت پنج سال و طبق قانون انتخاب میشوند و انتخاب مجددشان بلامانع است‌شرایط انتخاب شونده وانتخاب‌کننده را قانون معین می‌کند .

بطوریکه‌شق ۳اصل مذکور صراحت دارد سه عضو شورای عالی قضائی باید به انتخاب قضات کشور تعیین گردند و افرادی می‌توانند انتخاب‌شوند که دارای شرایط زیر باشند :

۱- قاضی باشند
۲- مجتهد وعادل باشند

پس شرط اول افرادی که برای عضویت در شورایعالی قضائی نامزد می شوند اینست که باید قاضی باشند.ودرقانون اساسی جمهوری اسلامی قاضی بفردی‌اطلاق میگردد که‌منحصرا در یکی از قسمتهای دستگاه قضائی کشور (یعنی وزارت دادگستری) با شرایط‌استخدامی خاص بشغل قضاوت اشتغال

بقیه در صفحه ۴

بیانیه جمعیت حقوقدانان ایران :

دادستانی انقلاب به وکلای دادگستری اهانت می کند

بقیه در صفحه ۲

با تعطیل دانشگاهها تکلیف استادان حق‌التدریسی و قراردادی چیست ؟

در صفحه ۳

کامیبوتر شرکت مخابرات بعدازپیروزی انقلاب هم اشتباه می کند

بقیه در صفحه ۲

خط ملت یا خط وابستگی

آیت‌الله دکتر بهشتی وحسن‌آیت وحزب جمهوری اسلامی پیرو کدام خط هستند

ما در شماره گذشته پیام جبهه ملی اعلام کردیم که خطجبهه ملی ایران خط ملت ایران است !

از زمانیکه گروهی از دانشجویان و طلاب علوم دینی محل سفارت آمریکا را اشغال کردند و خود را پیرو خطامام دانستند اصطلاح " خط" و پیرو " خط " جزو فرهنگ انقلابی ایران درآمد .

هرچند گروهها و عناصر مختلفی بعدا" خود را پیرو خط امام دانستند واز خطامام تعبیرات مختلفی کردند وبا آنکه شخص امام خمینی نیز تاکنون راجع به خط امام اظهار نظری نکردند و حتی بعضی از مراجع تقلید و مجتهدان عنوان خط را عنوان صحیحی ندانسته اند .با اینهمه این روزها اصطلاح " خط" عنوان رایجی برای بیان مشی‌سیاسی و اجتماعی و بطور کلی طرز تفکر اشخاص و گروههای سیاسی و اجتماعی شده است .

در دنیای امروز مهمترین موضوع برای مردم‌رنجدیده جهان سلطه امپریالیسم است . کشورهای امپریالیستی‌برای حفظ منافع و بقای موجودیت خود با تمام نیرو سایرکشورها و مردم آنرا بزیر سلطه خود در میآورند و با استقرار نظام استبدادی وابستگی اقتصادی ملل محروم را به ماشین‌عظیم صنعتی استعمار جهانی تضمین می کنند . امروز تنها قدرت ملل محروم و زحمتکش جهان است که در صورت تشکل وباروری میتواند در برابر نقشه‌های امپریالیستی بمقابله برخیزد وبا سلطه کشورهای استعماری مبارزه کند . و قدرت ملل محروم و زحمتکش تجلی نخواهد کرد مگر آنکه حاکمیت هر ملت در سرزمین هر کشور مستقر شود وارده ملت حاکم بر سرنوشت خود گردد .

از این رو در کنار " خطهای " دیگر که بعضی از آن ممکنست ارزش و اصالت خاصی داشته باشند ، ما باید خط ملت و خط وابستگی را از یکدیگر کاملا " مشخص کنیم‌وهریک را بطور روشن و نمایان بمردم نشان دهیم .

خط ملت خطی است که به حاکمیت مطلق مردم منتهی میشود . حاکمیت ملی فقط در اوضاع و احوالی میسر است‌که مردم بتوانند با شناسائی وآگاهی کامل و با بهره‌وری‌از حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی در تعیین سرنوشت خویش شرکت کنند .

دولت در یک انتخابات عمومی و آزاد ناشی از ملت بوجود آید و حکومت تمام سازمان و ارگان خود را در یک مشارکت عمومی قشرهای مختلف مردم تشکیل دهد . همان امری که ما و همه شخصیت‌ها و سازمانهای اجتماعی و سیاسی مترقی به نظام شورائی تعبیر وتشریح کرده ایم .

در خط ملت بعلت دخالت آگاه و آزادانه همه مردم بمرور ، قدرت واقعی ملت بطور کامل و در همه‌قلمروها ظاهر خواهد شد و حداکثر توان ممکن برای رویاروئی با سلطه امپریالیسم بوجود خواهد آمد .

وقتی مشارکت و دخالت مردم بطور آگاهانه و صحیح انجام گرفت ، حداکثر تحرک در زمینه‌های مختلف بخصوص در امر اقتصاد پایه‌های سلطه امپریالیسم را به لرزه خواهد افکند . در برابر خط ملت ، خط وابستگی وجوددارد .

خط‌وابستگی اینست که ما برای رفع نیاز زندگی‌روزانه ، برای گذراندن چرخ مملکت و برای ادامه حیات خود به خارج و بخصوص به کشورهای استعماری متکی باشیم .

جبهه ملی در نامه سرگشاده‌ایکه در آذرماه ۱۳۵۸ در باره وضع مملکت و رویدادهای بعد از انقلاب و مجلس‌خبرگان و قانون اساسی جمهوری اسلامی به محضرامام خمینی‌فرستاد ، مسیر کشور در ده ماه بعد از انقلاب را با دو خط زیر ترسیم کرد .

ـ اول آنکه اداره امور بجای آنکه رو به بهبودی رود در غالب موارد سیر معکوس و نزولی داشته و نابسامانی‌وضع کشور چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی در حال تزاید و افزایش بوده است .

بقیه در صفحه ۴

محاکمه حسن آیت کافی نیست - به عنوان نخستین اقدام

حسن آیت وسایر وابستگان کودتای ۲۸ مرداد باید از صفوف انقلاب طرد شوند

پس‌از فاش شدن نوار اظهارات‌حسن‌آیت یکی از مهمترین بحث‌هائی که در روزنامه‌ها و حزب جمهوری اسلامی‌مطرح گردیده و شخصیت‌های‌سیاسی و مذهبی نیز در باره آن اظهار نظر کرده‌اند و پریشب نیز در شورای انقلاب قسمت عمده وقت مذاکرات را بخود اختصاص داده اینستکه آیا حسن آیت در برنامه ونظری که داشته تنها بوده و یا این طرح توطئه مربوط به عناصرو افراد متعددی میشده که‌مرکز تنظیم و اجرای آن حزب جمهوری اسلامی‌بوده‌است ؟

آیت‌الله دکتر بهشتی‌و روزنامه جمهوری اسلامی تمام کار را برگردن حسن آیت گذاشته‌اند و حالا که قضیه فاش شده‌است آنهامیخواهند با کنار گذاشتن نامبرده آنهم بطور موقت و در ظاهر ازکنار موضوع بگذرند و ماجرائی که حقایق و قضایای بسیاری را فاش‌کرده است بافرونشستن جوهیجان بباد فراموشی بسپارند .

ولی یک مرور دقیق به اظهارات حسن‌آیت‌که مورد تکذیب نامبرده هم قرار نگرفته نشان میدهد موضوع نمیتواند تنها مربوط به یک شخص باشد . همانطور که شخصیت‌های سیاسی ومذهبی وصاحبنظران اظهارکرده‌اند یک جریان سیاسی و فکری در بطن صفوف انقلاب‌وجوددارد که اظهارات‌آیت گوشه‌ای از این حرکت‌را فاش ساخته است . در همان ابتدای نوار دوم باین عبارات آیت توجه کنیم :

" ..... اینها (منظور بنی‌صدر و جبهه ملی) می‌گفتند آقا متعصب دینی است . گروههای سیاسی را تشخیص نمی‌دهد . اینهادو نقشه " داشتند . یک نقشه "اینکه همان بلائی که سر "کاشانی آوردند سرخمینی " بیاورند . یک‌آدم بسازند " جلوی‌خمینی‌که‌نتوانستند... " طالقانی‌هم که مرد ..... "

این اظهارات نشان میدهد که جمعی برخلاف‌واقع ودورازشرافت‌انسانی‌وخصیصه اسلامی و با جعل اکاذیب در صددندنزد رهبر انقلاب‌القاء شبهات کنند . اینان بااشاره به‌آیت‌الله کاشانی و حوادث و جریاناتی که به‌کودتای ۲۸ مرداد۱۳۳۲ منجر شد میخواهند ذهن‌امام‌خمینی‌را نسبت به مبارزان نهضت‌ملی که‌ازپیشقراولان انقلاب بزرگ نیز محسوب میشوند . مشوب سازند تا بتوانند جو سوءظن و اختلاف‌و تفرقه را بوجود آورند و ازآب گل‌آلود ماهی بگیرند .

چه کسی میتواند چنین توطئه عظیمی را تنها مربوط به حسن‌آیت بداند وقتی فلسفی چهره مذهبی گودتای

بقیه در صفحه ۴

قیمت ها

برای توده مردم کمرشکن شده است

مردم زحمتکش مصرف میوه را هم مثل گوشت از زندگی خود خارج کرده‌اند

امسال‌در حالیکه‌همه‌اش صحبت از بالا بودن سطح تولیدات کشاورزی و محصول باغهای میوه و سطح زیرکشت صیفی‌جات‌بودهٔ است‌ومقامات مسئول‌از جهادسازندگی‌گرفته تا وزارت کشاورزی دائما از تمهیدات و سیاست کشاورزی خود و کمک به روستائیان و کشاورزان‌دم‌زده‌اندولی‌چیزی که‌از این‌فراوانی‌ها و تمهیدات مقامات‌نصیب ملت شده است قیمتهای سرسام آور خواروبار و سبزیجات و میوه است .

قیمت حبوبات و و میوه‌جات‌و صیفی‌جات بطور بی‌سابقه‌وتاحدی افزایش‌یافته که‌برای‌توده‌مردم واقعا کمرشکن شده‌است .قیمت بعضی ازاین فراورده‌ها حتی‌تا ۵ برابرنسبت بسان‌قبل افزایش داشته است و کسی نیست پاسخ دهد که با چه‌ارزش وسیع مردم کم درآمد و حقوق‌بگیران‌که‌درآمدثابتی دارندچگونه باید این‌افزایش قیمت‌ها را تحمل نمایند ؟

افزایش‌قیمت میوه تاجائیست که جز معدودی‌ازافرادپول‌دار و مرفه ،اکثریت‌مردم مامصرف گوشت میوه راهم مثل مصرف گوشت از برنامه زندگی روزمره خود خارج کرده‌اند .

این‌واقعیتی است‌که‌اگر توده عظیمی‌از طبقات‌محروم ملت‌ما این روزهای تابستانی راباخوردن‌نان‌وپنیروهندوانه سرمیکرد ، امسال با قیمت هندوانه‌که‌یک هندوانه ۶ - ۷ کیلوئی‌تا ۴۰ تومان بهاداشت ناچار گردید که هندوانه‌راهم ازنان وپنیرخودحذف‌نماید .

در این سه چهار روز اخیر که هندوانه باصطلاح ارزان شده هنوز کیلوئی ۳۵ تا ۴۵ ریال بفروش میرسد . از میوه‌جات دیگر صحبت‌نمی‌کنیم که آنها را اکثریت مردم فقط باید در مغازه میوه‌فروشی تماشا کنندو نوبرکردن آنها را به سالهای بعد واگذارند .

گیلاس از کیلوئی ۲۵۰ تا ۵۰۰ریال ،زردآلوازکیلوئی ۲۰۰تا۴۵۰ریال و توت‌فرنگی تاکیلوئی هزار ریال نمیتواند درزندگی روزمره مردمی که درآمدمتوسط‌آنهاروزانه هزار ریال است وارد شود و تازه این درآمدبرای آنهائی است که‌در این‌غوغای بیکاری برای خود کاری دست و پا کرده باشند .

وای کاش حداقل چیزی از این‌قیمتهای سرسام آور به جیب‌تولیدکنندگان‌آنها یعنی کشاورزان زحمتکش میرفت و بوسیله‌واسطه‌های قدو نیم قد وجوروا‌جور وسلف‌خرهای سودجو و فرصت طلب بلعتو نمیشد .

خیر آقایان مسئولان ! اداره کشورو تامین مایحتاج عمومی‌و اقتصاد سالم و روشن و کنترل قیمت‌هانیاز به افراد کاردان و متخصص و برنامه ریزی‌دقیق‌و حساب‌شده‌دارد . شما نمیتوانید پیکان را تاده هزار تومان و سیگار را تا صد درصد گران نمائید و بعد هم از پائین آوردن قیمت‌ها و حمایت از مستضعفین دم بزنید !

آخر مردم دم‌خروس را باور کنندیاقسم‌حضرت عباس را !

برنامه تابستانی دولت برای ۱۰ میلیون دانشجو ودانش آموز چیست ؟

در تاریخ ۵۹/۲/۲۱ آقای آذر برزین در مقاله‌ای تحت عنوان (برای تعطیلات دانش‌آموزان و جوانان فکری بکنید) مقاله مستدلی نوشته و هشدار داده بودندکه‌برای جوانان و نوجوانان مملکت‌در ایام تعطیلات تابستانی چه فکری کرده‌اید .

آقای دکتر سیداحمد مدنی نماینده مردم کرمان‌در مجلس‌شورای‌ملی نیز درچند شماره روزنامه پیام‌جبهه ملی نیز اخیرا مقالاتی در مورد (اعتیادبه مواد مخدرارمغان شوم استعمارگران) مطالب سودمندی‌نوشته و درباره این ماده خانمان براندازهشدارهائی‌داده بودندکه از هرنظر جالب بود .براستی مسئولین مملکتی ما برای ده میلیون دانش‌آموزودانشجو ، ۳میلیون معتاد و ۲ میلیون بیکار ویا کاری مانند بیکاری از قبیل لبوفروشی ،لوبیافروشی ،سیگار فروشی‌و . . . که اخیرا جوانان از فرنگ‌برگشته‌در اثر نداری و یا بیکاری بدان مبادرت ورزیده‌اندچه‌برنامه‌ای‌دارند ؟

آیا ده میلیون دانشجو و دانش‌آموز را ۳ ماه تابستان بیکار و بدون‌برنامه‌رهاکردن تولید خطر نمیکند ؟

آیا این ۳ میلیون‌معتاد برای نوجوانان‌ما تولیداشکال نمیکنند ؟راستی‌چرامانمی‌آئیم بایک حساب سرانگشتی‌نیرو های‌هدر رفته‌جوانان‌راحساب کرده بکار سازندگی بگیریم . اگر بطور تقریب‌تعدادجوانان و نوجوانان بیکار و معتاد را ۱۵ میلیون منظور کنیم و در نظر بگیریم که هر نفر در روز باید۸ساعت مشغول بکارباشد یعنی در روز ۱۲۰ = ۸ × ۱۵ میلیون‌ساعت‌کارجدی و فعال نوجوانان و جوانان مملکت بهدرمیرود و یا اگر این آمار رادره۹روز تعطیلات‌تابستانی ضرب نمائیم آماری در حدود ۱۰۸۰۰ (۱۰۸۰۰=۱۲۰×۹۰) میلیون‌ساعت کار میشود که‌ما میتوانیم‌چنانچه برنامه منظم و صحیحی‌داشته باشیم تمام این نیرو را در راه ساختن ایرانی‌آبادو آزاد بکارگیریم . ولی‌حیف‌که‌مسئولین‌وزارتخانه های ،آموزش و پرورش ،کار ، آموزش عالی و سازمانهائی‌از قبیل‌ورزش‌وتربیت بدنی‌و . . . بدون‌هیچ‌برنامه‌ریزی‌زیربنائی از این‌نیروی عظیم‌استفاده‌ای نمی‌برندو ازکنار آن‌بی‌تفاوت میگذرند .

راستی‌من نمیدانم‌برای ساختن‌یک استادیوم ، با یک سالن بزرگ ورزشی ،یک‌کارگاه و یا . . . .چقدر و چندساعت نیروی کار انسانی لازم‌است ، ولی این را بخوبی میدانم‌که با این نیروی بزرگ میتوان تمام یا لااقل بسیاری از مشکلات امروزی را بمرور و طبق برنامه درستی بپایان رساند .

آری‌باکارگرفتن‌نیروی‌خلاق جوانان‌برومندمملکت می‌توانیم ایرانی‌آباد ،آزاد ، مرفه‌داشته باشیم . آنهم در صورتی‌است که از امروز بفکر برنامه‌ریزی وتدارک‌کار باشیم‌والا چنانچه برنامه‌دراز مدت‌نداشته‌باشیم کار ما بدانجاخواهد کشید که می‌بینیم . یعنی تابستان داغ و سوزان فرامیرسد و ما بدون هیچ برنامه‌ای نوجوانان خود را درکوچه‌هابه امان خدارها کرده‌ایم .

راستی نمیدانم شما مصاحبه ورزشی رادیو ایران‌را در روزجمعه ۵۹/۳/۳۰ گوش داده‌ایدکه‌میگفت سازمان‌ورزش بفکربکری‌افتاده و درنظردارد در ایام تابستان در وسط خیابانها باکمک دیگران بچه‌ها رامشغول بازی‌فوتبال ،والیبال و . . . . . نماید .

راستی که بنازم به این

بقیه در صفحه ۴

می‌کنید هر آنچه که نباید بکنید و میگوئید آنچه که نباید بگوئید، در یک کلام، خودتان می‌بریدو خودتان هم می‌دوزید وچنین است که مردان متعهد و با رسالت و مشکل‌گشا به گوشه عزلت چپیده‌اند و در این اندیشه‌که‌بکجامیرویم‌وبالاخره روز و روزگارمان به کجاخواهد کشید؟ناچیزترین‌برچسب‌تان علیه‌مردم‌برچسب ضدانقلاب است که در قبال هر اعتراض و هر انتقادی به مردم می‌چسبانیدوکوچکترین حربه‌تان برانگیختن‌احساسات‌عوام‌الناس‌است با کلی دردسر و پیداست‌که آنجا که احساسات برمردم‌چیره شود دیگر جائی برای منطق‌باقی نمی‌ماند، پای چوب و چماق به میان میایدو ..... و چه روزی منطق چوب و چماق از جامعه ما رخت برخواهد بست؟ رویائی بیش‌نیست‌دراینصورت سایه‌اش‌برسرتان‌مستدام‌باد چراکه‌تابوده‌همین‌بوده‌دل‌مان خوش‌بود و دل خوش‌کرده بودیم که بعد از آن همه درد و رنج و بعد از آن همه شهید که هدیه‌ی انقلابمان کردیم رئیس جمهور اقتصاددانی نصیبمان شده‌با کلی انتظار و با کلی امید، و آرزویمان هم این بود که آقای رئیس‌جمهور، اقتصاد بی‌هویت و بی‌ریشه و سن‌زده‌ی وطن‌مان رابه‌مدد همان دانش‌وفرهنگی که‌داردسازمان‌و سامان دهد، آرزویمان‌که برآورده نشدسهل است بل قوزی بر قوزهایمان نیزافزوده شد! ما مردم‌کوچه و بازار از دانش اقتصاد و از محاسبات و مباحثات علمی آن فقط این که اگر دولت دیناری بر قیمت اجناس انحصاری خود افزود کاسب جماعت‌نیز به حکم اینکه خود مصرف‌کننده‌است درنگ جایز نمی‌داند و لاجرم بر مردم‌همان روا دارد که‌دولت برملت خود روا داشته است چرا که هیچ عرضه کننده‌ای نیست و دیده نشده که خود گران‌بخردو ارزان عرضه‌کند، شما دیدید بما هم بگوئید تا فی‌سبیل‌اله حواله‌اش را به تیمارستان یا حداقل به بیمارستان دهیم! حرف این است، آخر تا کی، تا چند و تا چه روزی باید تجربه‌کنیم و تجربه افزایش قیمت‌ها رابه محک‌گذاریم، آخر قربان‌تان گردم، افزایش قیمت‌ها، بالا رفتن هزینه زندگی و کاهش قدرت‌خرید مردم بدنبال دارد و همین کاهش قدرت خرید مردم است که شما را ملزم به بالابردن نرخ‌خدمات عمومی در سطح‌مملکت خواهد کرد واین کاریست که اگرامروز آن را عمل نکنید شک نداشته باشید و تردید هم بخودتان راه ندهیدکه زمان ورویداد‌های ناشناخته‌ی زمان انجام چنین کاری را به شما تحمیل خواهدکرد، قصد بیان‌حقایق نیست، تجسم‌و بخاطرآوردن تجربیات تندو تلخی است‌که ما از گذشته داریم و دریغا که ازگذشته عبرت نمیگیرید. حقیقت این است که عدم ارزیابی محاسبات تورم، نادیده انگاشتن مجهولات خرد و کلان‌در رابطه با آسیب‌پذیری آحاد و افراد جامعه و بازدهی هولناک" افزایش قیمت‌ها این توهم و این تصور در مردم بوجود آورده که فرد و افراد تصمیم گیرنده‌شناخت کامل و جامعی از رمز و رموز مسائل‌اقتصادی نداشته‌اند و افزایش‌الله بختکی‌و باورنکردنی قیمت سیگار به نسبت صددرصد و بالابردن‌قیمت پیکان بیش از یک چهارم میتواند دلیل ودلائل‌قاطعی درجهت‌صحت و درستی ادعای بالا باشد، دیروز نوبت سیگار و پیکان بود، امروز نوبت گوشت‌است، فردا نوبت قند و شکروپس‌فردا... برای‌مستضعفان‌آن‌هم دراوج بحران اقتصادی‌وتورم بی‌سابقه و بیکاری مزمن چه نقشه‌هائی دارید احدی خبر ندارد. دولت بدون داشتن مدعی‌اجناس زیر کنترل خود را گران می‌کند. گران فروشی علنی می‌کند و در عین حال داعیه‌مبارزه با گران فروشی هم دارد! زمانی با پند و اندرز و گاهی با توپ و تشر و ما بحکم همان تجربیات میگوئیم که نه شق اول کارساز است و نه شق ثانی مؤثر. جناب آقای حاکم شرع در تهران! ما دو جور قسط شنیده‌و میشناسیم: یکی قسط بقال وچقال و کاسه بشقابی است‌که‌خوشبختانه‌ما ازدوران کودکی تاهمین‌امروز که‌صاحب عیال و اولاد هستیم با آن آشنا هستیم. دیگری قسط اسلامی است که‌از بعد از انقلاب در رسانه‌های گروهی و در رسالات و در ادبیات ما راه‌یافته است. ما نه یکبار بلکه بطور کلی با چشم‌های خودمان دیده‌ایم که‌ماموران‌و مجریان قسط اسلامی بقال‌و چقال‌و سبزی فروش‌سرکوچه‌مان‌را به جرم مثلا" ده‌پانزده ریال گران فروشی کیفر داده‌اند و البته بشیوه

بقیه در صفحه ۳

دولت رسماً گرانفروشی میکند

بعداز افزایش بی‌حساب قیمت پیکان وسیگار، ناگهان بهای کالاها ومایحتاج عمومی بطور سرسام‌آوری بالارفت

حسین مذکوری

کامپیوتر شرکت مخابرات بعداز پیروزی انقلاب هم اشتباه می کند

حائری

در اواخرسال ۱۳۵۴ یعنی پنج سال قبل بود که شکایات دارندگان تلفن بطور متوالی در روزنامه‌های وقت طبع و منتشر میشد مبنی بر اینکه کامپیوتر مخابرات بر خلاف ماههای گذشته هزینه مکالمات خانواده‌ها را چند برابر محاسبه کرده و اداره تلفن نیز به شکایات واصله توجهی نداشته و به اینگونه اجحافات تحت عنوان اینکه کامپیوتراست‌نه‌برگ‌چغندر(!) رسیدگی ننموده و چنانچه‌از طرف دارنده تلفن نسبت به پرداخت وجوه تحمیلی و ناروای مورد مطالبه تأمل و تاخیری روی میداد بدون هیچگونه ملاحظه‌ای بقطع تلفن‌اومبادرت‌مینمودند.!!

البته بعدها معما حل و معلوم‌گردید که وزیر مسئول در بودجه سال ۱۳۵۴ کشور، درآمد مکالمات تلفن را در طول سال مذکور به مبلغی پیش‌بینی نموده بود که بدبختانه (ازنظروزیرمسئول) دراواخرسال برآوردا وبحقیقت نپیوست و دانست که کسری خواهد آورد و بر اثر این پیش‌بینی نادرست‌مورد‌غضب خدایگان! عاری از مهر! قرار خواهد گرفت و روی این‌اصل ناگزیر محرمانه دستور داد در این یکی دو ماهه آخر سال کامپیوتر را به ترتیبی تنظیم کنند که چند برابر مکالمات واقعی بتوانند ازصاحبان‌تلفن وجه دریافت داشته و حتی مبالغی هم بیشتراز برآورد جناب ایشان! بصندوق‌دولت سرازیر نمایند.

اولا": بقراریکه دربالا عرض شد این جریان مربوط بزمان طاغوت بود ولی این زمان که در ایران از کانال‌خانه‌ها با اغلب کشورها ارتباط تلفنی برقرار نمیباشد دیگر چرا به عنوان مکالمه با خارج از کشور وجوه‌اضافی مطالبه میگردد وهنگامی هم که صاحب تلفن با دست و پنجه‌نرم‌کردن با غول‌ترافیک تهران، خود را به اداره مخابرات رسانیده و در مورد این اشتباه میخواهد توضیح لازم را به استحضار مامورین و مسئولین برساند به وی اخطارمینمایند که ابتداسکوت نموده و سپس پنجاه ریال رایج جمهوری‌اسلامی بصندوق پرداخت و قبض‌آن را دریافت و ارائه کنید تا بحرفهای شما گوش فرا داده شود وگرنه بی‌مایه فطیر است.!!

ثانیا": هنگامیکه گرم مکالمه هستید ناگهان متوجه میشویدکه شخص‌ناشناس‌ثالثی نیز با شما مشغول گفت‌وشنود است که اگر این امر بر اثر اختلال در تلفن‌هاست آخر برای چه مامورین مربوط در رفع خرابی و نقص آنها اقدام نمی‌نمایند؟ و چنانچه‌تلفن‌ها را کنترل‌میفرمایند، لازم‌است توجه داشته باشند که دراصل بیست و پنجم قانون اساسی جمهوری‌اسلامی ایران آمده است:

" بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات‌تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است".

بیانیه جمعیت حقوقدانان ایران:

دادستانی انقلاب به وکلای دادگستری اهانت می کند

جمعیت حقوقدانان ایران با صدور بیانیه‌ی از نحوه‌برخورد دادستانی انقلاب با وکلای دادگستری انتقادکرده و اعلام داشته است:

بدون آنکه بخواهیم از تاریخچه‌ٔ جمعیت حقوقدانان و ازاقدامات‌این جمعیت‌سخن بگوئیم ناگزیر هستیم‌یادآوری کنیم که‌این جمعیت که در مهرماه ۱۳۵۶ تشکیل گردیده از همان ابتدای تشکیل دفاع ازحقوق زندانیان سیاسی را وجهه همت خود قرار داده و در این‌راه بذل همت نموده وبسیاری‌از اعضاء این‌جمعیت دچارمشکلات‌عدیده‌شده‌اند.

اینکه کوششهای این جمعیت در بسیاری از موارد در رژیم محمدرضا شاهی به نتیجه مثبت انجامیده ـ از افتخارات این جمعیت است و این جمعیت پس‌از انقلاب نیز کوشش کرده‌است که روش اصولی خود را در دفاع از حقوق‌زندانیان‌سیاسی دنبال کند و در این راه ضمن‌تفکیک دقیق مسئله ضد انقلاب و وابستگان به رژیم سابق از مسئله زندانیان سیاسی قدمهائی برداشته است ولی متأسفانه در این راه اعضای این جمعیت با مشکلات‌روز‌افزونی مواجه هستند.

وکلاء وابسته به این جمعیت حتی در بسیاری از مواردا‌جازه نمی‌یابند که وارد ساختمان دادستانی انقلاب شوند ـ با انحاء بی‌اعتنائی ها و بعضا" توهینها روبرو میشوند‌درحالیکه اینان برای پیشبرد یک هدف انسانی ـ و بدون آنکه مطلقا" منظور مادی داشته باشند موضوع را دنبال میکنند.

وکالتنامه‌هائی که برای ضمیمه‌شدن به پرونده‌ها ارائه میدهندا غلب‌آنها برگردانده میشود. و اگر هم قبول شود معلوم نیست‌که ضمیمه پرونده میشود یا خیر زیرا به این وکلاء نه‌اجازه ملاقات با متهم سیاسی را میدهند و نه اجازه خواندن پرونده را ـ مزید بر همه این مسائل مواردی اخیرا" پیش آمده است که بعضی‌ازاعضاء این جمعیت را بازداشت کرده‌اند. همه این امورمورد اعتراض و شکایت اعضاء جمعیت حقوقدانان است و آنان ازهیئت اجرائی جمعیت خواسته‌اند که نسبت به اینگونه‌اعمال‌اعتراض‌نماید و نه‌تنها اعتراض نمایدبلکه موجبات‌رفع مضایق و مشکلات رافراهم‌آورد. باین‌دلیل‌است‌که هیئت‌اجرائی‌جمعیت‌حقوقدانان ایران‌درنظرگرفته‌که‌گفتگوئی با مراجع عالیرتبه قضائی داشته باشد تا از نزدیک وبه تفصیل بتواند اعتراضات را مطرح‌ورفع مشکلات رامستقیما خواستارشود. علیهذاازشورای سرپرستی وزارت دادگستری تقاضا داریم که وقتی تعیین فرمایندتااعضاء هیئت‌اجرائی جمعیت حقوقدانان بتوانند این مسائل و مشکلات را بتفصیل‌بیشتری‌حضورا مطرح کنند. امیدواریم که این وقت هرچه زودتر تعیین گردد. ما انتظار داریم که منشی آن شورا این وقت را تلفنی بما اطلاع دهد. شماره‌های تلفن جمعیت(۶۷۸۸۱۹و۶۷۸۸۹۶) میباشد. ونشانی پستی هم زیر این نامه‌چاپ شده‌است.

یکبار دیگرموقع‌را برای‌ادای احترام مغتنم میشماریم

هیئت اجرائی جمعیت حقوقدانان ایران

عین‌الدوله مستبد نخست‌وزیر حکومت مشروطه میشود!!

مجتبی قوامی

استعمارگران برای‌مقابله با نهضتها و جنبشهای ضد استعماری در کشورهائیکه زیر نفوذشان میباشد از شگردها و روشهای خاصی استفاده میکنند و آن این است که در مرحله‌اول در کشورهای زیر سلطه‌شان مطالعات عمیق و گسترده‌ای را در زمینه روانشناسی اجتماعی انجام میدهند و برمبنای چنین تحقیقاتی است‌که می‌فهمند جامعه تحت نفوذشان آبستن بوجود آمدن چه نوع نهضتها و احزاب و دسته‌جات سیاسی و یا مذهبی سیاسی مخالف مطامع و نظراتشان میباشد.

در مرحله دوم کوشش مینمایند، تا چنین نهضتها و جنبشها و احزاب مخالف مورد ضرورت‌اجتماع‌رابامهرها و عوامل‌ناشناخته‌وتعلیم‌دیده قبلی خود بطور غیر اصیل و تصنعی بوجود بیاورند و خود گرداننده احزاب مخالف‌خود میشوند و تا افراد کشور استعمارزده که گول اینگونه احزاب غیر اصیل و تصنعی را خورده‌اند و از روی حسن‌نیت دراینگونه‌احزاب شرکت کرده بیایند و بفهمند که گول خورده‌اند، برای مدتی عمر استعمارخود را طولانی‌ترکرده و جلوی‌جبر زمان را گرفته‌اند و نتیجه دلخواه را بدست آورده‌اند. آخر سر هم تکلیف اینگونه افراد با حسن نیت و گول‌خورده‌و آلت‌دست شده که درچنین‌احزاب وجنبشهای ضد استعماری‌ساختگی‌وتصنعی فعالیت‌کرده و عمری را بهدر داده‌اند روشن است.

این تیپ افراد یا بطور کلی سیاست را می‌بوسندوکنار میگذارند و یا اینکه دنبال فعالیتهای سودآور شخصی و عیش و نوش میروند و یا اینکه از روی عصبانیت و ناامیدی‌و اینکه‌مدتی‌از عمر خود راآلت دست بوده‌اند به مواد مخدر پناه می‌برند و بهترین نتیجه را نصیب کشور استعمارگر مینمایند.

در مرحله سوم که‌خطرناکترین مرحله است، غیر انسانی‌ونامردمی‌ترین‌اقدامات را برای مقابله با جنبشهای ضد استعماری‌بعمل می‌آورند. وتا آنجا که امکان داشته باشداگر این جنبشهای‌ضد استعماری‌درحال‌جنینی‌باشند در همان‌حالت جنینی‌خفه‌شان بکنند و معتقدند که در اینگونه مواقع سرو صدائی در نمی‌آیدوموضوع فیصله‌می‌یابد و اما اگر جنبش مخالف از حالت‌جنینی‌خارج‌شدوبصورت نهضتی بزرگ درآمد دیگر با آن‌رودررو در نمی‌افتند، بلکه باعوامل تعلیم‌دیده خودکه از قبل آماده نموده‌اند و اکثرا" آدمهائی خطرناک و پاچه‌ورمالیده و هفت رنگ میباشندبداخل نهضتها‌نفوذ میکنند و از طریق آنها در کادرهای‌رهبری مسلط میشوند و با حیله و هزاران خدعه مهره‌های اصیل نهضت را ماءیوس‌و خانه‌نشین میکنند و یا اینکه ترور و خفه می‌سازند و پس‌از تسلط کامل مسیر جنبش را عوض میکنند که برای نمونه میتوان از انقلاب مشروطیت نام برد:

همانطورکه‌همگان‌اطلاع دارند در جنبش مشروطیت مهره‌های اصیل نهضت از قبیل‌ستارخان‌ها، باقرخان‌ها، علی‌مسیوها، حیدرعمواوغلی‌ها مدرسها، همه بطریقی ازگردونه‌نهضت خارج گشتند ووارث مشروطیت امثال‌تقی‌زاده‌ها و حکیم‌الملک‌ها واین قبیل‌افراد هفت خط شدندو مسیرنهضت‌مشروطیت بهمین آسانی‌ازخط‌اصیل خود خارج شد وخون آنهمه شهیدبخون خفته هدررفت و عین‌الدوله مستبد و دشمن سرسخت آزادیخواهان، نخست‌وزیر حکومت مشروطه گردید وباقی قضایا را که‌بهترازمن‌میدانید.

زبان وهویت ملی یك ملت

مرتضی حدادی

شایددر یک تعریف‌ساده بتوان‌گفت مجموعه افرادی که در سرزمین‌واحدی بسبب وجوه اشتراکی‌تحت حکومت قانون‌واحدی‌زندگی‌می‌کنند یک ملت واحد هستند.

پس‌بسیار روشن است‌که قوانین‌حاکم‌بریک ملت باید لااقل دربرگیرنده آن وجوه اشتراک مردم باشد. یعنی مطابق با خواسته‌های آنها و در جهت سعادت آن جامعه باشد. بدین روی تا زمانیکه یک‌قانون مدون قابل اجرا، در تمامی نقاط یک سرزمین حکومت می‌کند، انسانهای تابع‌آن‌قانون یک ملت واحد نامیده‌میشوند. اکنون باید دید انگیزه‌های سرپیچی یک ملت‌یایک تیره‌ای از اطاعت قانونی‌چیست؟ در یک‌بررسی کوتاه می‌توان دریافت آنها قانون‌جاری‌برسرنوشت‌خود را برابر نیاز جامعه خویش نیافته‌اند وآنرا موافق طبع خویش نمی‌بینند و عناصری که این‌همبستگی را در آنان ایجاد می‌کند که شورش کنند و خواسته مشترکی را مطرح کنند، رنگ و پوست و نژاد مذهب و همزبانی است که موجب نزدیکی آنها میشود برای بررسی هویت یک ملت تک‌تک عوامل‌بالا قابل تعمق وبررسی است. زبان هم یکی از عوامل بوجودآورنده وحدت گروه خاصی از مردم است، اصولا هرزبان زنده‌ای از شاخه‌های دیگری بنام لهجه تشکیل شده‌است. ولی اصل ملیت‌در اشتراک‌زبان‌اصلی‌است، برای نگهداری این انگیزه وحدت باید که عامل زبان را حفظ کرد اگر اندکی به نگهداری زبان‌شیرین فارسی‌عشق‌ورزیم و ازبکاربردن القاب وعناوین دیرفهم‌و غیر فارسی دوری گزینیم. مردم ما خیلی‌زودتر می‌توانند از راه ساده نویسی و ساده‌خوانی‌بکمک زمینه‌های فکری خویش به آگاهی نسبی برسند، امروز باصطلاح "مد" شده افرادی برای نشان‌دادن میزان‌روشنفکری و سواد خود واژه‌هائی‌ازبیگانگان‌وبخصوص از فرهنگ استعماری‌غرب‌بیان کنند که گاهگاهی خود بمعنی واقعی‌آن‌کلمات‌آگاهی ندارند.

این‌بیماری امروزه در فرهنگ‌سیاسی‌بسیار مزمن‌شده است، هرلحظه‌از زندگی ما یاابسم شروع میشود یا با ایست‌ختم میشود. هر کودکی برای بزرگنمائی هفت هشت کلمه‌ورقلمبیده‌خارجی رابلغور می‌کند تا به دیگران مخصوصا به‌بزرگترهاآموزش‌مثلا "سیاسی بدهد!

اینجاست که متاءسفانه باید گفت فرهنگ استعماری حتی پس از انقلاب خیلی شدیدترخ نشان داده است، این‌بیماری‌راباید از بین‌برد، تا زمانیکه این بیگانه گرائی در فرهنگ ما ریشه‌کن نشود و توده مردم نتوانند با سادگی و بزبان روان خود مفاهیم را بدست بیاورند. نه انقلاب فرهنگی، و نه رشد سیاسی بوقوع پیوسته است، البته هیچ ملتی نمی‌تواند برای‌پاک ماندن‌زبان خود از واژه‌های بیگانه، دروازه‌های فرهنگی خودرا برروی سایر ملل‌ببندد و ازداد و ستد بپرهیزد، در یک مراوده فرهنگی ـ سیاسی ـ اجتماعی ـ اقتصادی ـ دانش‌ها ـ و پژوهش‌ها ـ اندیشه‌ها و روش‌ها مبادله میشوند و انتقال می‌یابند ولی نه با قالب متناسب با جامعه دیگر، بلکه متناسب با جامعه خود.

بهر روی باید کوشید در جائیکه همتای واژه فارسی وجود دارد، از بیگانه‌گرائی پرهیز نمود و آنجا که‌می‌توان از ترکیب واژه‌ها ساخت، ساخته شود.

اینکه می‌گویم می‌توان واژه ساخت‌جای‌تعجب‌ندارد، زیرایادگیری یک‌واژه تازه ـ وارد ممکن‌است حتی مشکل‌تر از یادگیری یک واژه ترکیبی فارسی ساخته شده باشد.

آنگونه که به "وسایل ارتباط جمعی" گفته شد" رسانه‌های گروهی" و براحتی مورد استقبال قرار گرفت.

پس در آنجا که چاره هست‌چرا باید زیبائی و شیرینی فارسی را که بازمانده هزاران سال آمیختگی‌لهجه‌هاست، نادیده گرفت؟

اگر به گویش‌های‌گوناگون ایرانی سری بزنیم‌هر یک گنجینه ارزنده‌ای از واژه‌های سره فارسی است. ببینیدچه زیباست اگر به جای واژه‌های مبهم و دیرفهم، واژه‌های فارسی را بکار ببریم؟

نمونه‌های زیر را نگاه کنیم. روانی و زیبائی‌وخوش آهنگی‌واژه‌های سلایش انگیز است.

توریست = جهانگرد، گیربکس = جعبه دنده، پلیس = کارا گاه، خصوصیت = ویژگی، تحریف = دستکاری، مشهور = نامور، توجه = نگرش، مختلف = گوناگون و.....

دلهره ونگرانی ملت درقبال

حفظ تمامیت ارضی واستقلال کشور

نقش واهمیت تکنولوژی وآموزش درایجاد یك ارتش نیرومند ملی

دکتر پرویزورجاوند

در سمینار امنیت و دفاع ملی که بمنظور بررسی موضع ارتش در جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده بود ، دکتر پرویز ورجاوند سخنرانی مبسوطی پیرامون نقش و اهمیت ارتش ایراد کرد . دو بخش از این سخنرانی در دو شماره قبل به چاپ رسید و اینک سومین بخش بنظر خوانندگان ارجمند میرسد .

* * *

اهمیت تکنولوژی و آموزش :

بحث درباره قدرت تکنولوژی هر کشور دررابطه با توان وقدرت نظامی و دفاعی آن مسئله‌ایست مهم و بنیادی که نیاز به تحلیل‌های فراوان دارد . ما شاهد آن هستیم که کشورهای سازنده اسلحه چه در زمان صلح و چه در گرماگرم جنگ ، با تمامی نیرو میکوشند تا قدرت آتش و اثر جنگ‌افزارهای خود را بالا ببرند و این امر بدون ارتباط با پیشرفت همه‌جانبه تکنولوژیکی آنها صورت نمی‌پذیرد ، به بیان دیگر امر تکنولوژی جنگ‌افزارها و تحول آن درارتباط نزدیك و دوشادوش با توان فنی و علمی هر سرزمین در حرکت است .

نکته مهم دیگری که در رابطه با تکنولوژی نظامی جا دارد بدان اشاره کنیم آنست که هر پیشرفتی در این زمینه ، در امر حرکت‌های سیاسی و موضع‌گیری‌های کشورها در سطح منطقه و جهانی دارای تاثیر فراوان است . چنانکه درجنگ سرد و درگیری‌های پس از جنگ جهانی دوم میان روسیه و آمریکا و جبهه‌گیری‌های آندو اقمارشان در برابر یکدیگر و تهدیدهای یکی علیه دیگری ، مسئله قدرت تکنولوژی و دست یافتن به ابتکارهای جدید نقش عمده‌ای ایفاکرده است . از جمله میتوان موضوع دست یافتن به موشک‌های دورپرواز هواپیماهای با بردو سرعت زیاد ، موشک‌های با کلاهک‌های اتمی و نظیر آنرا یاد کرد .

در این رابطه جا دارد به مسئله درگیری زمان کندی و موضوع کوبا و مذاکرات " سالت ۲ " در رابطه با پایگاه‌های موشکی آمریکا در کشورهای عضو ناتو اشاره کرد .

همچنین میتوان در رابطه با درگیریها و تحولات و تغییرات سیاسی خاورمیانه از آغاز برخورد میان اسرائیل و کشورهای عرب ، نقش امکانات و جنگ‌افزارها و قدرت و برد اسلحه و هواپیماها و موشک‌ها را ناظر بر جریان‌ها دید . آمریکا همیشه در واگذاری تعداد و نوع هواپیماها به کشورهای عرب و اسرائیل ، با دقت باین امر توجه داشته است که قدرت تهاجمی اسرائیل در سطحی باشد که تفوق نظامی آن محفوظ بماند .

امروز باید دید که در جریان درگیریهای منطقه تا کجا ما قادر هستیم که دربرابر متجاوزانی چون عراق ، با در اختیار داشتن هواپیماهای " سخوی " روسی ، با فانتوم‌ها و "اف ۴" در برابرشان بایستیم و از مرزهای هوائی خود حفاظت کنیم ؟

در همین رابطه موضوع نحوه آموزش و آماده ساختن نظامیان وبخصوص فرماندهان ، افسران و درجه‌داران باحداکثر آگاهی بمنظور استفاده کردن از تجهیزات مدرن ، مسئله‌ایست که فراوان باید بدان توجه داشت ، زیرا اگر هر ارتشی فاقد نیروی نظامی کارآمد و مطلع و معتقد و جنگنده نباشد ، تنها با در اختیار داشتن جنگ‌افزارهای پیشرفته کاری ازپیش نخواهد برد . چنانکه در نبرد سه روزه مصر و اسرائیل ، در یک درگیری سریع ، اسرائیلی ها با وجود تعداد بسیار کم نیروهایشان در برابر مصریها ، موفق شدند برق‌آسا عمده تجهیزات مصریها را از میان بردارند و حتی مدرنترین جنگ‌افزارهائی را که روسها بآنها داده بودند ، دست نخورده در صندوقها بدست آوردند .

اما در آخرین جنگ مشاهده گردیم که کاردانی و ایمان یک فرمانده و سربازانش سبب گردید تا راه بربخش عمده‌ای از نیروی اسرائیل سد گردد و در آن جبهه پیروزی بدست آید .

بنابراین ملاحظه میگردد که امر تکنولوژی و آگاهی فنی وتخصصی نظامیان بعد از روحیه و آمادگی ملی برای دفاع از سرزمین ، نقش عمده‌ای بر عهده دارند و این هردو پدیده‌ایست که تنها در قالب یک ارتش منظم و سازمان یافته میتوان آنرا سراغ کرد .

گروههای سیاسی و ارتش :

از همان روزهای بعداز انقلاب ، یکی از مسائل مهمی که برخی از گروههای سیاسی با هدف روشن آنرا تعقیب کرده و همچنان ادامه میدهند ، موضوع شکل سازمانی ارتش است . این گروهها با طرح مسائلی چون ، پاك سازی ، تغییر نظام سلسله مراتب فرماندهی به شورائی و یا ارتش بی‌طبقه توحیدی ، میکوشند تا بنیاد ارتش را ازهم بگسلند و برای آنکه نظر خود را توجیه کرده باشند ، با توجه به خاطره ناخوشایندی که مردم از ارتش دوران آریامهری دارند ، میکوشند چنین وانمود سازند که اگر ارتش را از بنیاد زیرو رو نسازیم ، بیم آن میرود تا این نهاد ، بعنوان یک نیروی سلطه‌گر بار دیگر برهمه چیز مسلط گردد .

نگاهی به نحوه مقاومت ارتش و پیوستن برادران نظامی به مردم در روزهای قبل از پیروزی انقلاب ، روشنگر این امر است که ارتش در کل آن معتقد به رژیم شاه نبود و در خط مقابل ملت قرار نداشت . زیرا اگر چنین می‌بود ، درگیری میان مردم و ارتش ماهها بطول میانجامید . ارتش ایران در جریان انقلاب بدلیل نداشتن ایمان واعتقاد و علاقه به رژیم شاه و اینکه ، شاه و وابستگانش و فرماندهان طراز اول را خادمان امپریالیزم و حافظ منافع آنها میدانست ، دست از مقاومت برداشت و پشت به رژیم کرد و به صف ملت پیوست . سود کشور و حساسیت زمان ایجاب میکرد تا در کوتاهترین زمان ممکن در زمینه سامان بخشیدن بکار ارتش وانجام تغییرات اصولی در ساخت آن ، بدون آنکه فرصت ازدست برود و هرج و مرج و تزلزل بر این نهاد مهم حاکم گردد ، اقدام میگشت ولی آنچه تاکنون گذشته است حکایت از مسائل دیگری دارد ، از جمله شاهد آنیم که نیروهائی میکوشند تا از شکل‌گیری معقول و سریع ارتش و بازگردانیدن نظم انقلابی و سازمانی بآن جلوگیری کنند . این امر از یکسو براساس حمله و اخلال و تبلیغات مسموم کننده نیروهای چپ پی‌گیری میشود از سوی دیگر از جانب گروهی از پرسنل نیروهای ارتش این افراد را آن دسته از درجه داران و افسرانی تشکیل میدهند که هیچگاه به نقش عظیم یک سرباز اعتقادی نداشته‌اند و بدلیل بی‌بند و باری و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت و قبول خطر نکردن ، تمایل بر این دارند تا نابسامانیها در محیط ارتش ادامه بیابد و از انضباط آهنین و آگاهانه که از ویژگیهای هر ارتش ملی و نیرومند است ، نشانه‌ای در میان نباشد . باشد که نابرده رنج ، حقوقی بگیرند و هیچگونه کاری نکنند و خود را با خطر مواجه نسازند . بدون شك اقدامات نسنجیده‌ای چون برخی اعدامها در سطح درجه‌داران و افسران جزء ، عامل مؤثری در زمینه گریز گروهی از نظامیان برای قبول مسئولیت و تن در دادن به استقرار نظم انقلابی در سازمان ارتش بشمار میرود . این گروه از پرسنل ارتش برای آنکه پوشش ظاهر فریبی برروی اقدامات ضدانقلابی و فرار از مسئولیت خود کشیده باشند ، مسئله مشارکت درجه‌داران در زمینه‌های بنیادی تصمیم‌گیری در رده‌های فرماندهی و ایجاد شوراهای ارتش را پیش کشیده‌اند ، امری که به گونه منطقی آن بصورت ستادها در سطح فرماندهی همیشه در ارتش‌ها مطرح بوده و هست . شك نیست که در گذشته تبعیض‌هائی در زمینه‌های رفاهی در ارتش وجود داشته است که جادارد هرچه سریعتر مورد تجدید نظر قرار بگیرد و مسائل رفاهی با نظر خواهی از نمایندگان پرسنل ارتش بر اساس رعایت عدالت اجتماعی مورد عمل قرار گیرد .

بنابراین مسئله اساسی برسر بود ونبود یک ارتش نیرومند ملی است ، امری که با همه چیز این سرزمین بستگی کامل دارد و این همان چیزی است که گروههائی برآنند تا از توان گرفتنش جلوگیری کنند ، باشد که سد محکمی بر سرراه اقدامات سیاسی - نظامی آینده آنها ، بمنظور قبضه ساختن قدرت وجود نداشته باشد . اگر هر چه سریعتر نابسامانیهای کنونی در محیط ارتش از میان برود و میهن ما دارای ارتشی منظم ، متحد ، نیرومند و در خدمت ملت باشد ، و بتواند از تمامیت ارضی و استقلال و آزادی این سرزمین دفاع کند ، بی‌شك با وجود چنین ارتشی دیگر هیچ گروهی جراءت آنرا نخواهد کرد تا اسلحه بدست بگیرد و کشور را به آشوب بکشاند و با بی‌پروائی هرچه بیشتر ، در راه تجزیه این مرز و بوم با اتکاء بر نیروهای برون مرزی تلاش کند .

چنانکه اشاره داشتم ، آنهائی که با حسن نیت ، با تکیه بر وضع گذشته ارتش و درگیریهای آن با مردم از توان گرفتن آن بیمناک هستند باید باین نکته توجه داشته باشند که این تنها ارتش نبود که در رابطه با رژیم سیاه‌شاه ، در مسیری خلاف منافع مردم و رودرروی آن قرارداشت ، بلکه دیگر نهادها و سازمانها نیز از این ویژگی ضد مردمی بودن برکنار نبودند ، ولی اقدامات ضدملی ارتش بدلیل شرایط و ساخت خاص این نهاد بیشتر بچشم میخورد و بیشتر در مردم اثر میگذاشت .

بنابراین ضمن قبول این امر که باید در ساخت ارتش باتوجه به نیازهای جامعه انقلابی ایران دگرگونیهای اصولی و اساسی پدید آید و کوشش گردد تا ارتش برای همیشه در راستای منافع ملت و در خدمت همه فرزندان ایران زمین باشد ، ایجاب میکند تا با انجام یک برنامه پاکسازی متکی برضابطه وبدور از جاروجنجال ، هرچه سریعتر حیثیت و اعتبار ارتش مورد قبول و احترام مردم قرارگیرد و ملت ما با ابراز اعتماد کامل به ارتش ، موجبات بازسازی و توان بخشی همه جانبه این نهاد مهم که پاسداری از شرف و استقلال ملی را برعهده دارد ، فراهم سازد .

برای ایجاد یک ارتش ملی نیرومند باید سکان را بدست صاحبنظرانی سپرد که باآگاهی بر تمامی مسائل سیاسی و اجتماعی وتوان اقتصادی کشور و جنبه‌های تخصصی مسائل نظامی و دفاع ملی ، باین مهم بپردازند و هرچه زودتر ملت را از نگرانی نبود یک ارتش نیرومند و آگاه ملی بیرون آورند و پاسداری از آسمان و آبهای نیلگون و وجب به وجب این نیاخاک را برعهده بگیرند . باشد که ایران زمین تا جهان برپاست ، آزاده و سربلند باقی بماند .

باتعطیل دانشگاهها تکلیف استادان حق‌التدریسی وقراردادی چیست؟

دانشگاههای کشور از پانزده خرداد ماه بحالت تعلیق درآمدند و تاریخ بازگشائی و از سرگرفتن آموزش در دانشگاهها هنوز برکسی معلوم نیست و نتیجه این امر بلاتکلیفی و سردرگمی بسیاری از اعضای هیئت علمی دانشگاهها بویژه آن دسته از آنهاست که بطور قراردادی یا حق‌التدریسی مشغول بکار می‌باشند . زیرا دسته اخیر با وجود آنکه بارآموزشی قابل ملاحظه‌ای را در دانشگاهها بر دوش دارند از نقطه نظر قوانین بجامانده از زمان طاغوت به عنوان عضو رسمی دانشگاه به شمار نمی‌آیند . این اساتید که جمعیت کثیری راهم تشکیل می‌دهند اکثرا " افرادی هستند که بعد از انقلاب وبخاطر عشق وخدمت کردن به ایران آمده و جای فراریان و یا بیرون شدگان از دانشگاهها را پرکرده‌اند . عده‌ای دیگرهم کسانی هستند که بخاطر تأمین معاش یا عشق بمعلمی در گرداندن چرخهای دانشگاههای ایران سهیم بوده و در تربیت نسلی که بهرصورت وظیفه پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی ایران را بعهده دارد می‌توانند مؤثر باشند . حال که ایران از طرف اکثر قدرتها و بخصوص ابرقدرتها و نوکرانشان از برون و درون مرزها مورد تهاجم قرار گرفته وحلقه تحریم اقتصادی آمریکای جهانخوار و متحدانش هر روز تنگتر میشود ، چه بهتر که سرمایه‌های علمی کشور برای کمک به امر تولید مورد استفاده قرارگیرند . در اینمورد اگر نیروی آن استادانی که بایستی و حاضرند تمام وقت خود را در خدمت پیشبرد هدفهای انقلاب وخدمت بمردم قرار دهند هدر رود خیانت است . متأسفانه برخی از مسئولین امر با بخشنامه‌هائی نسنجیده باعث بوجودآمدن نارضایتی وجو ناسالمی میشوند که تنها مورد سوء استفاده ضد انقلابیون و وابستگان به امپریالیسم قرار میگیرد . در حالیکه رئیس جمهوری کشورمان بارها بمواردی چون بالا بردن سطح تولید وحدت همه نیروها و جلوگیری از فرار مغزها اشاره کرده و به تمام ارگانهای دولتی هشدار داده‌اند که تمام نیروهای خود را در جهت استقلال ایران از شرق و غرب بکار گیرند و بجای شعله‌ور کردن تضادبین اقشار مختلف مردم و بهرج و مرج کشاندن امر تولید در جهت وحدت گام بردارند معلوم نیست که چرا در بعضی از دانشگاهها این امر رعایت نمیشود . هر روز سعی بر این است که نیروها را از کار بیاندازند و آنها را عاطل و باطل نگهدارند و نسبت به انقلاب بدبین نمایند . نتیجه دیگر این سیاست اضافه شدن عده‌ای از تحصیلکرده‌های آماده بکار به خیل بیکاران جامعه و ایجاد مشکلات مادی و معنوی برای آنها و خانواده‌های آنهاست . جمعیت ملی استادان دانشگاههای ایران به عنوان یک جمعیت صنفی سیاسی نسبت به این امر مهم هشدار می‌دهد و از مسئولین امر میخواهد که تا دیر نشده است نسبت به این مسئله موضع‌گیری صحیح و قاطع بنمایند و عده زیادی از استادان قراردادی وحق‌التدریسی را از بلا تکلیفی نجات دهند .

" جمعیت ملی استادان دانشگاههای ایران "

دولت رسماً

بقیه از صفحه ۲

قوانین اسلامی و حالا چون گران‌فروشی دولت بر احدی پوشیده نیست و با عتبار گفته‌ها آفتاب خود دلیل آفتابست و به‌همین علت تقاضا داریم دستور فرمائید مجریان قسط اسلامی دولتیان را هم به‌جرم گران‌فروشی کیفر دهند و البته با همان شیوه‌ای که بقال سر کوچه‌مان را کیفر داده‌اند !

انجام این کار دو خاصیت دارد ، اول تفهیم این نکته به مردم است که قسط اسلامی بین دولت و ملت و بین مستضعف و مستکبر تفاوتی قائل نیست .

دوم همان احساسی است که از کیفر و از نحوه‌ی کیفر بما دست میدهد ، یعنی وقتی می‌بینیم که دولت‌مردان را هم مانند سبزی فروش محلمان در ملاء عام حد میزنند ! واضح است که هم اغنا میشویم و هم دلمان خنک میشود !

عرض دیگرمان اینست که ما با صدور انقلابمان موافقیم ، صد درصد موافقیم ، لکن تصورمی‌کنیم که صدور سیاست اقتصادی‌مان به نفع هیچ‌قوم و بسود هیچ ملتی نباشد چرا که سیگار ۴۰ ریالی را دویست ریال خریدن نه خالق مخلوقات را خوش میاید نه اشرف مخلوقات را ، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید !

تشکیل کمیته های وابسته به سازمان زنان جبهه ملی ایران

روز دوشنبه ۵۹/۳/۲۶ کمیته طرح و برنامه سازمان زنان جبهه ملی ایران تشکیل و شش کمیته زیر مسئولان و اعضاء آنرا تعیین و تصویب کرد .

۱ـ کمیته سوادآموزی ۲ ـ کمیته تحقیق وآموزش‌های تحقیقاتی ۳ ـ کمیته امداد ۴ ـ کمیته فنی‌و هنری (آموزش هنرهای دستی) ۵ ـ اطلاعات و روابط عمومی ۶ ـ کمیته مشاور خانواده .

کمیته‌های مزبور از آغاز تیرماه کار اجرائی خود را براساس طرحها و برنامه‌های لازم آغاز خواهند کرد .

دفتر تشکیلات

ما و خوانندگان

تهران ـ آقای محسن آل‌علی قطعه شعر زیبائی را که فرستاده‌اید و یادآور مبارزات قهرمانانه ملت ایران در سی‌ام تیر ماه ۱۳۳۱ است عینا " درج می‌کنیم و از اینکه آنرا ۲۶ سال در سینه خود (ثبت) نموده‌اید به شما درود می‌فرستیم .

از خطه خراسان تا شهر عشق شیراز
از زابل و خوی و ری تا بهبهان و اهواز
از قلب شهر تبریز تا پای مرز قفقاز
آید بگوش هرکس این دلنواز آواز
از جان خود گذشتیم تا خون خود نوشتیم " یا مرگ یا مصدق "

تهران ـ آقای دکتر عبدالحمید جعفری نامه مفصل شما را بدقت خواندم نه یکبار بلکه چند بار چون ضمن انتقاد و حتی حمله‌های اصولی ، خواستار تحرک در مبارزه و آگاهی هرچه بیشتر قشرهای جامعه بوسیله پویندگان راه مصدق شده‌اید .

ولی به خلاف استنباط شما هرگز در " برج عاج تعصبات " ننشسته‌ایم و بدور از هرگونه جاه‌طلبی و خودخواهی سعی کرده‌ایم در کلیه مسائل و رویدادهای وطنمان نقطه نظرهای خود را قاطعانه اظهار کنیم .

تهران ـ پیشاهنگان دستجات آزاد تهران ـ در نامه ای به عنوان آقای شهردار تهران گله از انتصاب یکی از منسوبین نزدیک ایشان بعنوان کارشناس پیش‌آهنگی نموده‌اند ، از ما نوشتن ، ولی کو گوش شنوا ! ؟

مشهد ـ آقای حسینی ـ نامه انتقاد آمیز شما در مورد اینکه چرا مثل زمان طاغوت دکتر طب مثلا " وزیر کشاورزی میشود و تخصص در رشته ملاک و معیار اشتغال به کار نیست از نظر اصول و بازدهی و استفاده از نیروهای متخصص کاملا " صحیح است ولی متاسفانه بنا براین اصل است که تخصص ضابطه قرار نگیرد و مشاغل بین افراد وفادار به حزب حاکم تقسیم شود .

تهران ـ آقای کاظم روشن ـ متقابلا " سلام گرم هیئت تحریریه به شما خواننده آرمان خواه که ما را در مسائل روز " بهترین پیشنهاد دهنده " توصیف کرده‌اید .

ما در مورد مسائل و رویدادهای وطنمان بطور قاطع و مستدل و بدون ادعای " بهترین بودن " انتقاد و اظهار نظر کرده‌ایم وراههای مبارزه و شیوه‌های صحیح و اصیل انقلابی را برای حفظ دستاوردهای انقلاب و جلوگیری از انحراف و واپس‌گرائی و انحصار طلبی متذکر شده‌ایم و این نقش تاریخی جبهه ملی ایران است .

پنج شنبه ۵ تیر ۱۳۵۹
شماره ۳۳ صفحه ۴

پیام
جبهه ملی
نشریه سیاسی

صاحب امتیاز: دکتر مهدی آذر
مدیر مسئول: اصغر پارسا
نشانی: خیابان کارگر (سمتری) نزدیک میدان انقلاب
تلفن: ۹۲۱۲۰۰

هر خبط و خطا که شد، صوابش کردند
ملت زامید خانه‌ئی ساخته بود
افسوس که خودسران خرابش کردند
ادیب برومند

خبرهای جبهه ملی

برگزاری مراسم بزرگداشت قیام ملی سی ام تیر

بمنظور بزرگداشت روز تاریخی سی‌ام تیر، قیام بزرگ ملت ایران، مراسم خاصی از سوی جبهه ملی ایران برگزار خواهد گشت.

برای هرچه پرشکوه‌تر بر پا کردن این مراسم از تمامی نیروها و سازمانهای ملی معتقد به راه مصدق دعوت می نمائیم تا روزهای شنبه، یکشنبه و سه شنبه با دفتر تشکیلات مرکزی و یا تلفن شماره ۹۲۱۲۰۰ تماس بگیرند و ما را از نظریات و میزان و چگونگی همکاری خود آگاه فرمایند.

تشکیلات جبهه ملی ایران

سخنرانی در جبهه ملی

روز یکشنبه هشتم تیرماه ساعت ۶ بعدازظر جلسه سخنرانی هفتگی جبهه ملی برگزار میشود وپس از پایان سخنرانی مسئولان جبهه ملی به سئوالات حاضران پاسخ خواهند داد.

شرکت عموم علاقمندان دراین جلسه آزاد است.

کلاس‌های رایگان

سازمان زنان جبهه ملی ایران برای کلاسهای سواد آموزی و کلاسهای تقویتی و تجدیدی دوره راهنمائی که‌بطور رایگان در محل تشکیلات مرکزی جبهه ملی تشکیل خواهد شد از دانش‌آموزان ثبت نام مینماید.

داوطلبان شرکت دراین کلاسها میتوانند جهت ثبت نام به دفتر تشکیلات مرکزی جبهه ملی مراجعه نمایند.

سازمان زنان جبهه ملی ایران

نمایشگاه عکس و روزنامه

در گالری آفتاب روبروی دانش‌سرای عالی نمایشگاه عکس و روزنامه های دوران حکومت دکتر مصدق بکوشش آقای مفخم برپا گردیده است.

علاقه‌مندان می‌توانند صبح و بعدازظهر از این نمایشگاه دیدن نمایند.

تبریک به روزنامه انقلاب اسلامی

روزنامه‌انقلاب‌اسلامی یک ساله شد. ما سالروزتأسیس انقلاب اسلامی را به مدیران و کارکنان این روزنامه تبریک میگوئیم و امیدواریم در راه به ثمررسانیدن آرمان‌های‌ملت ایران موفق باشند.

هیئت تحریریه پیام جبهه ملی

تسلیت

همرزم گرامی آقای امیر ابراهیمی

مصیبت وارده را به شما و فامیل محترم تسلیت‌عرض نموده‌صبرو شکیبائی‌را برای شما از خداوندمتعال‌خواستارم.

سازمان کارمندان جبهه ملی ایران

برنامه تابستانی دولت

فکر بکر وجالب!!! مسئولین ورزشی‌ما برای المپیک‌این‌همه وقت‌و نیروصرف‌میکنند، گاهی به پاکستان و زمانی‌به‌سوئیس میروندولی‌حاضر نیستندبرای ده میلیون نوجوان و جوان ایران که آینده‌سازان مملکت هستند برنامه‌ریزی اصولی نمایند راستی چرا؟

چرا بفکر آینده مملکت وجوانان‌نیستید؟ چراخاموشی اختیار کرده‌اید؟ آیافردا دیر نیست؟

پرهامی

حسن آیت و...

بقیه از صفحه ۱

خائنانه ۲۸ مرداد به جای خلع لباس و مجازات شرعی اجازه مییابد در حضور امام به منبر رود و هرآنچه‌میتواند در ذم دکترمصدق رهبربزرگ نهضت ملی برزبان راند عمق توطئه و تعدد ایادی و وسعت جریانی که‌از طرز تفکروعوامل کودتای ۲۸ مرداد‌الهام‌گرفته نمایان میشود.

با وجود انتشار مدارک متعددراجع به فلسفی‌وتلگراف تبریکی که‌او به مناسبت پیروزی ۲۸ مرداد برای محمدرضا شاه فرستاد و شرفیابی‌اش‌به حضور فضل‌الله زاهدی و انتشار سخنرانی در دربار "السلطان ظل‌الله و تملقات‌وتبلیغات عدیده و مکرر در باره شاه مخلوع و خاندان پهلوی و کودتاچیان ۲۸ مرداد نامبرده بازاجازه‌می‌یابد ساحت‌مقدس منبر را ملوث کند و در جو انقلاب، رادیو و تلویزیون انقلابی‌رانیزدراختیاربگیرد. همین امرکافی است قدرت و سیطره‌عوامل‌کودتای ۲۸مرداد را که در صفوف انقلاب رخنه کرده‌اندبا وضوح‌بیشتری‌آشکار سازد.

کار به جائی رسیده که همین‌فلسفی‌واعظ موفق‌میشود در قم مرکز مبارزه و شهادت و شهر ایمان و اعتقاد و مسئولیت در نماز جمعه قبل از اقامه نماز توسط فقیه عالیقدری‌چون‌حضرت‌آیت‌اله منتظری‌که همگان نسبت به فقاهت و تقوای ایشان اتفاق نظردارند خطبه نماز جماعت ایرادکند و با حضور خودنماز جماعت و نمازگذاران و صحن مقدس را آلوده نماید.

اینها را نمیتوان ساده و تصادفی تلقی کرد.

با انتشار نوار سخنان آیت و کشف توطئه او باید شبکه‌ای که از هواداران و متفکرین و دست اندرکاران کودتای ۲۸ مرداد در صفوف انقلاب رخنه کرده است شناسائی و کشف و افشاشود.

ما در این باور هستیم که یکسال و چند ماه بعد از انقلاب اینچنین عناصر با رخنه در مراکز روحانیت و احاطه‌علماء ومجتهدان‌عالیقدر مانع شده‌اند که روشنفکران مسئول و متعهد و مترقی جامعه در کنار روحانیون عالیقدر جای بگیرندو قدرت قشرهای‌مختلف‌ملت پیوند یابد و انقلاب با بهره‌وری از همه ظرفیت انسانی و فکری جامعه‌ازجهات‌متعدد رشدلازم بیابد.

چه بسا عده‌ای ناآشنا به حوادث سالیان دراز تحت تاءثیر القاآت‌اینقبیل عناصر وابسته ناآگاه آب به آسیاب دشمن ریخته‌اند و ندانسته در کنار مرتبطین با عوامل و عناصر کودتای ۲۸ مرداد قرار گرفته‌اند.

ما کسانی را می‌شناسیم که از عوامل مؤثر و مهم کودتای ۲۸مرداد بوده‌اند و پس از انقلاب توسط مردم دستگیر و به زندانها تحویل داده شده‌اند ولی چون دخالتی در حوادث بعدی نداشته‌اند یا آزادشده‌اندویا از مجازات برکنارمانده‌اند.

اصولا" جز چند مورد نادرکسی به اتهام کودتا و عملیات ۲۸ مرداد ۳۲محاکمه و محکوم نشده است‌ودادسراها ودادگاههای انقلاب‌حساسیت زیادی در این مورد از خود نشان نداده‌اند.

ما معتقدیم بعنوان‌تصفیه صفوف انقلاب نخستین اقدام باید شناسائی و طرد عوامل کودتای ۲۸ مرداد باشد.

با بیرون‌راندن‌متفکرین و حامیان و مرتبطین کودتای آمریکائی و انگلیسی ۲۸مرداد ۳۲ توطئه بزرگ امپریالیسم آمریکا و انگلیس رادربطن انقلاب مقدس ملت خنثی کنید!

کنار گذاشتن

بقیه از صفحه ۱

داشته باشد(این مطلب قبلا" با استدلال لازم و کافی در بیانیه شورای مرکزی جامعه قضات که در شماره ۲۵روزنامه پیام جبهه ملی درج گردیده به اطلاع عموم‌رسیده است)

صفات دیگری که برای اعضای شورای عالی قضائی بعد از قضاوت در نظر گرفته شده اجتهاد و عدالت است که قاضی باید باین صفات متصف باشد تا بتواند نامزد شورایعالی قضائی شود. بنابه مراتب بالا و توجه کامل به فصل یازدهم قانون اساسی که مربوط بقوه قضائیه می باشدحز قضات دادگستری افراددیگری که در دادگاههای متفرقه و منفک از دادگستری از حمله دادسرا و دادگاههای انقلاب تحت عنوان قاضی انجام‌وظیفه می‌کنند وتابع مقررات‌استخدامی وزارت دادگستری نیستند و هیچگونه‌رابطه‌ای با این‌دستگاه ندارند اصولا" نمی‌توانندبرای این امر مهم نامزد شوندو در واقع فاقد صلاحیت‌اصلی‌طبق قانون اساسی هستند.

انتخاب نامزدهای‌معرفی شده که هیچکدام از آنها در دستگاه قضائی کشور سمتی بعنوان قاضی ندارند مؤید و مثبت این حقیقت وواقعیت ملموس و محسوس است که‌فقط انحصار طلبی مطلق برای‌کسب قدرت در کلیه شئون اجتماعی وسیاسی مملکت با شدت وحدت هرچه‌تمامتر ادامه دارد. بنحوی که اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری بشیوه رژیم فاسد قبلی نقض میگردد. در قانون اساسی پیش بینی شده که شورای عالی قضائی عالیترین مرجع اداری و قوه قضائیه می باشد و باید طبق اصل ۱۵۸ شورای مذکور تشکیل گردد. باتوجه باینکه درحال حاضر حدود ۲۰۰۰ نفر قاضی با سابقه و متبحر و متخصص بامور حقوقی و جزائی درسطح کشور بقضاوت مشغول می باشند وطبق قانون اساسی کلیه‌مسئولان امور کشوری باید بطریق شورائی اداره شود.

این حق مسلم قضات دادگستری است که‌درسرنوشت تشکیلات اداری وقضائی‌مربوط به خود ومردم شرکت مؤثر داشته باشند. آیامی‌توان‌قبول کرد که در بین دو هزار قاضی شاغل و باتجربه که‌جوانی‌وعمر خود را در این شغل حساس و پرزحمت سپری نموده‌اندوهم چنین قضات بازنشسته، سه نفر قاضی حائز شرایط مندرج در شق ۳ اصل ۱۵۸ قانون اساسی وجود نداشته باشد، این امربست که مردم آزاده و مبارز ایران وکسانیکه ازنزدیک با دستگاه قضائی مملکت سرو کار و ارتباط دارند باید قضاوت و داوری نمایند.

کنار گذاشتن نامزدهای قضات دادگستری برای‌انتخاب شورایعالی قضائی و جایگزین کردن افراد دیگری که‌هیچگونه سابقه قضاوت وتخصصی دراین مورد ندارند، بجای قضات واجد شرایط برای شرکت در انتخابات شورایعالی قضائی، امنیت قضائی و اجتماعی‌کشور را بیش از پیش و با سرعت زیادتری دچار مخاطرات‌سهمگین و مشکلات غیرقابل‌حل خواهد کرد و روشی که برای انتخاب شورای عالی قضائی به مرحله عمل گذاشته شده است معلوم میدارد که عملا" سه عضو شورایعالی قضائی انتصابی تعیین می شوند نه انتخابی و بعید بنظر میرسد که قضات دادگستری که‌مجری قانون می باشند در انتخاب اشخاصی‌که فاقد صفات قانونی انتخاب شوندگان باشند، شرکت کنند.

محمدرضا عالم زاده
قاضی دادگستری

خط ملت یا

بقیه از صفحه ۱

— دوم اینکه خط فکری واحدی برای تنظیم سازمان کشوری و در جهت برنامه ریزی‌های مختلف چه در دوران موقت و چه در دوران ثابت پس از تصویب قانون اساسی وجود نداشته است و آنچه برای آینده نیز میتوان‌پیش‌بینی کرد ادامه همین دو خط سیر کلی است ....

ولی متاسفانه باید گفت که ادامه‌دوخط فوق‌که‌درواقع یک نوع بی خطی است، ما را به خط‌وابستگی بیشتر نزدیکتر کرده است.

امروز در حالیکه روابط ایران وآمریکا قطع شده است یک گردش کوتاه در خیابانها ومغازه‌ها و درخانه‌ها وزندگی مردم، افزایش وابستگی را بطور آشکار نشان میدهد.

از فردای تحریم اقتصادی ایران، بجای آنکه تعداد بسیاری از کالاها که ضروری نیستند و یا در درجه‌اول ضرورت قرار ندارند از مصرف جامعه حذف شوند، سیل همه کالاهای آمریکائی و اروپائی و سایر کشورها با چند برابر قیمت توسط دلالان و واسطه‌های بین المللی بکشور ما سرازیر شده است و همه بازارها و خانه ها را پر کرده است.

نتیجه مبارزه علیه امپریالیسم و مقاومت در برابر تحریم اقتصادی فقط این شده است که کالاهای خارجی از هرقبیل بخصوص کالاهای مصرفی خارج از استاندارد بین المللی و بدون تضمین فروشنده آنهم به چند برابر قیمت به مردم میهن ما تحمیل شود.

فقط قسمت عمده‌ای از وسایل یدکی کارخانه‌ها وخدمات فنی و داروها مشمول تحریم واقعی شده‌اند عواملی که برای تقلیل تولید داخلی و خطر سلامت مردم تاثیر فراوانی داشته است.

آیا مبارزه علیه امپریالیسم-جهانی باید این باشد که ذخائر ارزی کشور و ثروت مردم محروم با سرعت و بمقدار بیشتری برای گذران زندگی روزمره حتی در مورد کالاهائیکه ضرورت اساسی ندارد مصرف شود.

آیا این نحوه مبارزه در نهایت بسود ملت تمام شده است یا بسود امپریالیسم؟ یک بررسی دقیق اقتصادی‌وفنی و آماری باید نشان دهد که در پانزده‌ماه بعد از انقلاب جامعه ما بطرف حاکمیت ملت با تمام ابعاد آن پیش‌رفته است یا بطرف وابستگی بیشتر به خارج و جهان استعماری؟

آیا تولیدات مملکت سیر صعودی داشته یا سیر نزولی؟

آیا بیکاری در حال افزایش بوده یا کاستی؟

آیا گرانی و تورم مهار شده و یا لجام گسیخته‌تاروپود زندگی مردم کم در آمد و یا دارای در آمد ثابت را از هم گسسته؟

آیا قدرت مدیریت و کارآمد ماشین اداری و تخصصی کشور که علیرغم تسلط طاغوت از نظر مالی و سیاسی، سالم باقی مانده بکار گرفته شده و یا نابود گردیده است؟

آیا امنیت زندگی و امنیت قضائی وامنیت کاری وشغلی در جامعه حاکم شده یا هرج و مرج و ناامنی و قتل وغارت و دزدی، قانون‌جاری‌وحاکم درهمه نقاط‌کشور گردیده‌است؟

آیت اله دکتر بهشتی دبیرحزب جمهوری اسلامی‌و عضو موءثر و گرداننده شورای انقلاب، رئیس قبلی شورای انقلاب و اداره کننده اصلی مملکت بعد از دولت موقت، رئیس واقعی مجلس خبرگان و تنظیم کننده قانون اساسی و اصول اصلی سیاست اداری، اقتصادی و مالی مملکت باتفاق افرادی نظیر حسن آیت که دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی و گرداننده عمده مجلس خبرگان واز عناصرموءثر حاکمان دوران بعد از انقلاب بوده، باید باین سئوال‌ها پاسخ گویند.

بدون شک افراد باایمان و معتقدی د رحزب جمهوری اسلامی حضور دارند ولی باید باین پرسش پاسخ داده شود که مسئول ادامه توقف واحدهای تولیدی و هرج و مرج حاکم بر شئون کشور کیست؟

امروز حزب جمهوری اسلامی و عناصر وابسته ومرتبط با آن با بهره وری از امکانات حکومتی ومالی فراوان عامل تعیین کننده تنظیمات اغلب سازمانهای اداری و تولیدی کشور هستند ولی روشی که برنامه ریزان سیاسی حزب جمهوری اسلامی و در راءس آن حسن آیت دبیر سیاسی حزب طرح ریزی کرده‌اند آنهمه امکانات حکومتی و مالی‌وآنهمه استعداد-های انسانی و اعتقاد و مسئولیت و ایمان و شور و شوق انقلابی را در جهت حاکمیت ملت و افزایش تولید و استقرارنظام پر قدرتی که بتواند در برابر امپریالیسم مقاومت کند به خدمت گرفته اند یا بعلت ترویج بی نظمی و هرج ومرج و تبلیغات غیر واقعی و خلاف شرف و اصول انسانی و تشویق مردم به مبارزه علیه یکدیگر و برقراری جو خشونت و عصبیت و جنگ قبیله ای که همه یادآور دوران جاهلیت قبل از اسلام و خلق وخوی عرب بدوی است کشور بطرف زوال فکری یا اجتماعی، سیاسی و فرهنگی واقتصادی سیر کرده است؟

آیا آقایان، جماعات را بطرف خط ملت برده‌اند یا چشم بسته و گوش بسته تسلیم خط وابستگی کرده‌اند؟

اگر آقایان جواب ندهند آمار و حقایق وبالاخره تاریخ جواب خواهد داد.

نکته‌ها

شغل آینده، دزدی!

بعدازظهرروزیکشنبه یکم‌تیرماه ۵۹عابرینی که از خیابان مصدق بسوی خیابان مطهری‌روانه‌بودند در حدود مقابل سه راه دکتر فاطمی شرحی زا که یکی از نوارفروشها بطور چشم‌گیری بر روی مقوا نوشته و بمحل کار خود الصاق و در معرض انظار قرار داده بود، بدین مضمون قرائت مینمود:

"آخرین فرصت، بشتابید بسوی خرید نوار"

"شغل آینده: دزدی"

"لیسانسیه‌های بیکار".

اسباب بزرگی

پسر کوچکم فشارمی آورد که "بابا چرا همه‌را در تلویزیون نشان می‌دهند ولی تو را نه." گفتم "آنها بزرگانند" گفت: تو چرا نیستی. گفتم: "تکیه برجای بزرگان‌نتوان زد بگزاف، تا که اسباب بزرگی همه آماده کنی" پرسید" پس اسباب بزرگی چیست؟ هرچه فکر کردم عقلم به جائی نرسید گفتم: "منظورچماق است" وحالا می‌ترسم‌وقتی بزرگ شود او هم جزء چماقداران شود.

عام

رابطه

یکی ازاعضای‌شورای انقلاب خواستار رابطه ارگانیک بین مجلس‌وحوزه علمیه شد در حالیکه در عمل درخواست برقراری این ارتباط یک‌کاراضافی است. چون با قانونی‌که توسط مجلس خبرگان تصویب کردند نمایندگان مجلس شورا چه بخواهند و چه نخواهند ارتباط ارگانیک و غیر ارگانیک‌شان دائما" با حوزه علمیه برقرار بوده وخواهدبود.

دوست یابرادر

در جائی خواندم که‌ازجوانی‌اهل‌چکسلواکی سئوال کردند که روسها با تو دوست‌اند یابرادر؟

جوان میگوید برادرند چون دوست را انسان خود انتخاب میکند‌این برادر است که وجود و حضورش بر برادر دیگر به میل و انتخاب نیست.

ادعا

ادعا شد روزنامه جمهوری اسلامی‌جای‌خود را بین مردم باز کرده است. ماکه‌بخیلش‌نیستیم ولی ای کاش این گشایش و حیات به بهای انسداد و زوال روزنامه‌های آزاده دیگر تمام نمیشد.

سازندگی

از ظریفی پرسیدم فرق بین چماق واقعی و چماق قلمی وزبانی که این روزها گروهی از آن بیمناکند درچیست؟

گفت: هردوسازنده‌اند بدین شکل که اولی مرگ سازاست وراهی‌گورستانت میکند دومی‌عقل‌سازاست و راهی دیار خرد.

از: فشندی